

شیوا نظرآهاری

زندان اوین - بند ۲۰۹



زندان سخت است نه به آن سختی که فکرش را میکنید اما سخت تر از آنچه فکر میکنید . در طول این مدت چیزی که زیاد آزارم میداد این بود که آیا به راستی

هیچ مرجعی توان مقابله با این گونه برخوردهای رژیم را ندارد؟ آیا هیچ نهاد یا ارگانی او را در برابر این تقض آشکار حقوق بشر محاکمه کرده است؟

و بعد وقتی برخورد مسئولین را میدیدم بیش از پیش به این باور میرسیدم که هیچ کس پشتیبان ما نیست.

اینجا صدای گریه های مادری که او را چندین روز است از دیدار دو فرزند کوچکش محروم کرده اند(همسر امید عباسقلی نژاد) یا داستان مقاومت زنی که به خاطر شوهرش رنج سلول انفرادی را بر خود خرید و حاضر نشد کلامی بازجویی پس دهد(همسر امیر ساران) و یا حتی بی تابی های مادری که چهار فرزندش را در خانه رها کرد و برای دفاع از حق برادر همسرش به اینجا آمد(خانم شقایق) ... همه و همه عذاب آورتر از تنهایی خودت و رنج سلول انفرادی است . اینجا اما صدای فریادهای " زنده باد آزادی " یک پسر از جمع قهرمانان میهن (بهروز جاوید تهرانی) یا حدیث مقاومت یک زن برای همسرش یا صدای ناله های مردی که از شدت درد ضجه میزند، شیره مقاومت را در تو تزریق میکند ... آن موقع است که می اندیشی اگر تمام روزهای عمرت را نیز محکوم به ماندن در این سلول شوی ، ذره ای در هدف متزلزل نمی شوی.

اینجا زندان اوین است، بند ۲۰۹ .. سلولهایی که وسعتشان به اندازه تمام تنهایی های توست .. اینجا رنگ آبی آسمان که از گوشه های یک پنجره فلزی قابل دیدن است و یا تلالو امواج خورشید که هر روز بعد از ظهر گوشه ای از سلولت را روشن میکند .. و یا حتی پشه هایی که صدای وزوزشان کلافه ات میکند و مورچه هایی که هر چه میکی از دستشان در امان نیستی ، برای تو نوید بخش این است که هنوز زندگی وجود دارد .

یا هنگامی که صدای فریادهای زندانبانانی را میشنوی که مدال طلای رضازاده را جشن گرفته اند و به تو خبر این پیروزی را میدهند و میبینی که چگونه عرق ملی شما را در کنار هم قرار داده و مدال طلای رضازاده سبب شده که یکدیگر را در آغوش بگیرید ، باز میفهمی که هنوز انسانیت نمرده است.

اما امروز ۲ هفته از زمان دستگیری ما میگذرد .. دو هفته بی خبری .. در این مدت تنها سرگرمیمان فریادهای وقت و بی وقت بهروز بود که می خواست به نحوی به ما بفهماند که هست و البته دلگرمی های خودمان ..

دو هفته بلا تکلیفی در این مدت کسی نگفت که قرار است چه بر سر شما بیاید .. تنها جمله ای که از زبان قاضی بیرون آمد این بود: حالا حالاها مهمون مایید. بدون حتی کوچکترین حقوق یک انسان ... اینجا چیزی به نام هواخوری وجود ندارد. یک اتاق که دو گلدان در آن است مکانی است که از آن به عنوان هواخوری نام میبرند که البته هر وقت به آنجا میروی از بی هوایی نفست میگیری.

اینجا بیشترین کلمه ای که میشنوی قانون است ... تجمع غیر قانونی .. تشکل غیر قانونی .. قانون، قانون، قانون .. هر وقت حرف میزنی این کلمه مثل پتک بر سرت میفورد .. حال آنکه زمانی که از در قانون وارد میشوی در مقابلت کم می آورند

گاهی اوقات از این همه بی خبری دلت هم میگیرد اما باز به خودت میگویی که در راه آرمانم باید هر سختی را تحمل کنم و یاد میکنی از کسانی که ماهها و یا حتی سالها در این سلولها سر کرده اند و قدمی عقب ننشسته اند . اینجا بیشترین کلمه ای که میشنوی قانون است ... تجمع غیر قانونی .. تشکل غیر قانونی .. قانون، قانون، قانون ..

هر وقت حرف میزنی این کلمه مثل پتک بر سرت میخورد .. حال آنکه زمانی که از در قانون وارد میشوی در مقابلت کم می آورند و خودشان را قانون میدانند ..

فکر میکنی اگر مسئولین مملکت اینقدر مقید به قانونند پس چرا حال و روز سرزمینت اینگونه است.

اینجا یک چیز را بیشتر از قبل به تو می آموزد و آن حقانیت راهت و درستی آرمانت است .. اگر تا پیش از آمدن به اینجا ذره ای در راهی که انتخاب کرده اید شک دارید ، آمدن به اینجا شما را به یقین می رساند که راه را درست میروید و رسیدن به مقصود نزدیک است.

اینجا همه از صداقت وحشت دارند .. همه دروغ گویی را دوست دارند .. اگر به آنها دروغ بگویی، رفتارشان خوب است اما اگر با

اشاره به تعارض فقر اقتصادی خانواده بیجه با موضوع به همراه داشتن تراول چک در دست برادر کوچک بیجه، گفت: "علاوه بر این، وسایلی مثل سیانور در دست بیجه و تعداد قتل‌هایی که پشت سر هم اتفاق می‌افتاده است و این حرف کلیشه‌ای بیجه که «من از کشتن بچه‌ها لذت می‌بردم» نباید ما را به این فکر بیندازد که ممکن است در ورای آنچه در روزنامه‌ها می‌خوانیم، یک جنایت هولناک یا باند برنامه‌ریزی شده قاچاق اعضای بدن در حادثه پاکدشت وجود داشته باشد؟ از مسوولان ذیربط استدعا دارم که نسبت به این مساله تحقیقات بیشتری انجام دهند. وی ادامه داد: "چگونه است که برای نوشتن یک کتاب تمام زندگی یک شخص باید کاویده شود اما وقتی که متهمی برای یک چنین جرم بزرگی دستگیر می‌شود، خیلی راحت می‌گویند دلایل نبود. همان‌گونه که در مسایل سیاسی و روزنامه‌نگاری دلایل را جمع‌آوری می‌کنند چرا در اینجا جمع‌آوری نمی‌کنند؟ بنابراین نباید عنوان شود که برای پیگیری «ما نیرو کم داریم».

تبدیل "حکومت ولایی" به "حکومت دموکراتیک"

دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی ایران در گفتگویی کوتاه با خبرگزاری کار ایران، پیرامون توطئه تشکیل دادگاهی کودتائی برای محاکمه وی به



شیوه محاکمه رهبران نهضت آزادی در زمان شاه گفت: طبق قانون اساسی، جرایم سیاسی باید با حضور هیأت منصفه و به صورت علنی مورد رسیدگی قرار گیرد و من در هیچ دادگاهی که بر خلاف این شرایط برگزار شود شرکت نمی‌کنم. وی ادامه داد: در حالی از برگزاری دادگاه امتناع شد که قاضی در گفت‌وگو با وکیل اتهام جدیدی را هم به من نسبت داده است. این اتهام تلاش بنده برای تبدیل "حکومت ولایی" به "حکومت دموکراتیک" است. (وکیل دکتر ابراهیم یزدی، شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل و از بنیانگذاران کانون دفاع از حقوق بشر در ایران است.)

بازداشت روزنامه نگار متهم از سوی سرمقاله نویس کیهان

امید معماریان، روزنامه نگار و فعال اجتماعی در دفتر محل کار خود توسط ماموران اداره اماکن که زیر نظر دادستانی ناحیه ۹ فرودگاه فعالیت می‌کنند



بازداشت شد. چندی پیش حسین شریعتمداری، مدیر مسئول روزنامه کیهان در سرمقاله‌ای با عنوان «خانه عنکبوت» از چند روزنامه نگار داخل و خارج از کشور نام برده بود و آنان را متهم

نتایج سفر اخیر هیات اعزامی کمیسیون اتحادیه اروپا

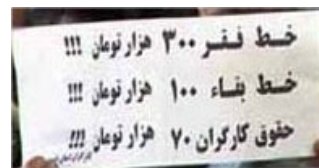
نهادهای مستقل مدافع حقوق بشر و حقوق مدنی در ایران، از نهادهائی که نمایندگان آنها با هیات



اعزامی کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا دیدار کردند گرفته تا آنها که به دیدار با هیات فراخوانده نشدند، از نتایج سفر این هیات به تهران راضی به نظر نمی‌رسند. عمادالدین باقی، رئیس انجمن دفاع از حقوق زندانیان در ایران، در این رابطه می‌گوید: "متأسفانه هیات هائی که به ایران می‌آیند، با نهادهای مستقل و غیردولتی حقوق بشر تماس نمی‌گیرند." محمد علی دادخواه، سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر، می‌گوید: "قصد داشت در باره احضار و دستگیری نویسندگان و دانشجویان صحبت کند، ولی از او برای ملاقات با هیات دعوت نشد." فریده غیرت، عضو اصلی هیات مدیره کانون وکلای مرکز، معتقد است که: "دیدار نمایندگان کانون وکلا با اعضای هیات جنبه تشریفاتی داشت."

یورش امنیتی به کارگران

حراست نیروگاه اتمی بوشهر، در یورش به نمازخانه این نیروگاه، کارگران معترضی را



که در آنجا پناه گرفته بودند مضروب کردند. کارگران به عدم تحقق وعده هائی که در جریان اعتراض و تحسن قبل مقامات داده بودند در مسجد نیروگاه جمع شده بودند. اخراج کارگران، عدم پرداخت حقوق، نبود شورا، عدم اجرای رای هیات حل اختلاف مبنی بر بازگشت به کار و پرداخت مطالبات قانونی کارگران پس از ۱۵ روز از سوی مدیریت نیروگاه، پیگیری نبودن مسوولان اداره کار شهرستان بوشهر در اجرای آرای صادره از جمله مسائلی است که کارگران نیروگاه بوشهر با آن دست و پنجه نرم می‌کنند.

قتل ۲۲ کودک در پاکدشت و باند قاچاق اعضای بدن

شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل در میزگرد "حادثه پاکدشت و حقوق شهروندی" نکات و سوالات تازه‌ای را درباره پرونده قتل ۲۲ کودک در پاکدشت بیان کرد.



عبادی در تحلیل جامع و همه جانبه از ابعاد حقوقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، روانی و فرهنگی فاجعه کوه دشت ارائه داد، با

به اندازه یک دقیقه با ما صحبت کرده است. مادر حنیف مزرعی به انتقاد از رفتار قاضی پرونده پرداخت و گفت: در مراجعه‌ای که داشتم قاضی پرونده به من گفت: «خواهر من خودت را نردبان بعضی‌ها نکن» که من نیز در جواب او گفتم: قبل از انقلاب من ۴ سال متواری بودم، چون ساواک دنبالم بود، و همچنین پدرم در زمان رژیم شاه در زندان بود چون قصد دستگیری مرا داشتن، و من در آن زمان نردبان (ترقی) بعضی از شما بودم (اما الان عقلم می‌رسد که نردبان برخی‌ها نشوم).

۱۷۹ ضربه شلاق قبل از آزادی

ایزابل آلتنه که کتاب معروف او «فرزند خوشبختی» توسط علیرضا جباری به فارسی ترجمه شده است اخیراً طی نامه ای انعکاس دستگیری و دادگاه علیرضا جباری را در میان روشنفکران جهان برای محمد خاتمی رئیس جمهوری توضیح داده و خواستار آزادی فوری علیرضا جباری شده بود. علیرضا جباری پس از نزدیک به دو سال حبس و تحمل مصائب آن از زندان رجایی شهر (گوهردشت) آزاد شد. در این رابطه گوهر شمیرانی با اعلام خبر آزادی همسرش گفت: طی نامه‌ای که بنا به درخواست ما از سوی هیات پیگیری و نظارت قوه قضاییه به اداره‌ی عفو و بخشودگی این قوه ارسال شده بود و به دنبال موافقت با این درخواست، جباری آزاد شد. شمیرانی در ادامه یادآور شد که همسرش قبل از آزادی ۱۷۹ ضربه شلاق از مجموع ۲۵۳ ضربه‌ی محکومی را نیز تحمل کرده است.



مجاهدین خلق

«نیوزویک» با انتشار گزارشی تحت عنوان «سایه های خاکستری» به قلم «مایکل



ایزیکاف» و «مارک هوزنبال»، ضمن افشای اطلاعاتی از کمک های مالی صدام حسین به مجاهدین خلق نوشت: یک مقام ایالات متحده به «نیوزویک» گفت که گزارش های جدید از اردوگاه اشرف در عراق حاکی از آنست که حدود ۴۰ تن از اعضای مجاهدین به عنوان افرادی که قابل پیگرد قانونی هستند شناسایی شده اند. همچنین احتمال انتقال حدود ۶ عضو برجسته این سازمان برای محاکمه به آمریکا وجود دارد. این پیگرد ظاهراً به دلیل فعالیتهای تروریستی انجام می شود.

به همکاری با سازمان جاسوسی آمریکا CIA کرده بود. نام امید معماریان نیز به طور اختصاری در این سرمقاله آمده بود. حسین شریعتمداری اگرچه پس از نوشتن این مقاله به دادگاه احضار شد!، اما بازداشت روزنامه نگارانی که وی از آنها در سرمقاله خود نام برده بود، یکی پس از دیگری ادامه دارد.

انتشار کتاب روانپزشک سوئدی از زندانهای ایران

استکهلم - یک پزشک و روانپزشک سوئدی شاغل در "مرکز بحران و ضربات روحی" بیمارستان دانده رید



(یکی از مشهورترین مراکز درمان آثار روحی و جسمی شکنجه در جهان) با جمع آوری شهادت ایرانیانی که جهت درمان آثار شکنجه های روحی و جسمی خود در طی دهه ۱۹۸۰ به این مرکز مراجعه کرده اند دست به انتشار کتابی به زبان سوئدی و تحت عنوان "قتل عام گلها (Slakten på blommorna)" زده است که در آن تصویری بسیار مخوف از وضعیت زندانها در ایران در طی دهه ۱۹۸۰ ترسیم میگردد. دکتر (بریتا هتراستراند) پزشک و روانپزشک "مرکز بحران و ضربات روحی (Kris- och Traumacentrum بیمارستان دانده رید که با همکاری یک نویسنده سوئدی (کایسا مالمستروم) و سه ایرانی (سودابه اردوان، محمود نعیمی و ثریا زنگباری) این کتاب را تهیه و منتشر کرده است.

زرافشان آزاد باید گردد

کانون نویسندگان ایران با صدور بیانیه ای خواستار آزادی ناصر زرافشان وکیل قربانیان قتل های زنجیره ای شد.



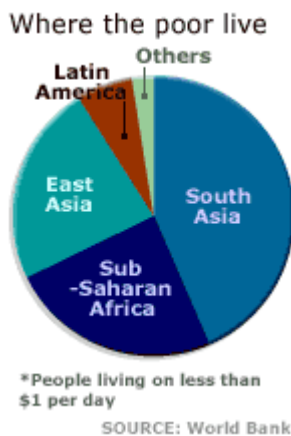
در این بیانیه که از سوی کانون نویسندگان ایران منتشر شده است با اشاره به اینکه فعالان اجتماعی ایران بارها با صدور بیانیه هایی از مسئولان خواستار آزادی زرافشان شده اند متاسفانه تاکنون همه آنها بی نتیجه مانده است. لازم به ذکر است صادرکنندگان این بیانیه با اشاره به آزادی علیرضا جباری خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی و اهل قلم شدند.

مادر «حنیف مزرعی» روزنامه نگار بازداشت شده، نسبت به اینکه پس از گذشت بیش از یک ماه هنوز وضعیت فرزندش مشخص نشده و حتی طبق قرار قبلی دادگاهی برگزار نشده اعتراض کرد. وی روز شنبه ۲۵ مهرماه در گفت‌وگو یی گفت: علی رغم مراجعه مکرر به اداره اماکن هنوز موفق به ملاقات فرزندم نشده‌ام و فقط حنیف ۵ بار با منزل تماس گرفته و هر دفعه

عمومی، می‌دانیم چالش‌های بسیار زیادی پیش روی ما است. برای مواجه شدن با این چالش‌ها، معتقدم تعدادی از اولویت‌های اساسی شایسته توجه ویژه هستند. ما نیازمند تلاش برای تحکیم نظام امنیت دسته جمعی و تضمین تقویت آن به منظور رویارویی با تهدیدها در قرن بیست و یکم هستیم. هیأت عالی رتبه‌ای که اینجانب سال گذشته تعیین کردم در حال تلاش سخت برای ارائه ایده‌ای در جهت دستیابی به این اهداف است. ما باید همبستگی عظیم‌تر بین المللی برای برخورد با وضعیت‌های اضطراری انسانی مانند رخدادهای دارفور داشته باشیم. ما نیازمند تحکیم بهتر مشارکت واقعی جهان برای توسعه، مبارزه با گرسنگی، جهل، فقر، بیماری و رسیدن به اهداف توسعه هزاره هستیم یعنی آنچه که کشورهای عضو ملل متحد به عنوان نقشه اصلی برای ایجاد جهانی بهتر در قرن بیست و یکم ترسیم کرده‌اند. ما نیاز داریم تا بردباری و درک بیشتری را میان مردم جهان ترویج کنیم. هیچ چیز در برابر تلاش ما برای برقراری صلح و توسعه، خطرناک‌تر از جهان متفرق از نظر خطوط مذهبی، قومی و فرهنگی نیست. ما باید درون هر ملت و در میان تمام ملل اتحادی بر اساس انسانیت مشترکمان ترویج کنیم.

افزایش گرسنگی در دنیا

کوفی عنان " دبیرکل سازمان ملل که در گردهمایی اقدام علیه فقر و گرسنگی " که در آن "ژاک شیراک" رئیس جمهوری فرانسه، "داسیلوا" رئیس جمهوری برزیل، "زاپاته رو" نخست وزیر اسپانیا و گروه دیگری از سران



کشورهای مختلف جهان حضور داشتند، تاکید کرد: شمار گرسنگان در حال افزایش است و پیشرفت‌ها در زمینه محو فقر گسترده ناهموار بوده است. وی افزود: در بسیاری از کشورها معیارهای زندگی رو به وخامت گراییده و بر تعداد فقراي گرسنه جهان افزوده شده است.

چهارده میلیون کودک زیر خطر فقر

صندوق کودکان سازمان ملل متحد،

یونیسف، اعلام کرده است که

میلیون ها کودک در شرق اروپا و آسیای میانه زیر خط فقر بسر می‌برند، این در حالی است که این مناطق اخیرا شاهد رشد



سازمان ملل متحد طفل

کاخ سفید

پطرس غالی دبیر کل سابق سازمان ملل متحد در گفتگو



با روزنامه عکاظ عربستان فاش کرد این سازمان هر روز دستوراتی را از کاخ سفید دریافت می‌کند. وی از اینکه این حقایق را در چنین زمانی فاش می‌کند (و در دوره ای که خود دبیرکل سازمان ملل بود چنین افشاگری نکرده بود)، ابراز تاسف کرد.

غالی در واکنش به تصویب قطعنامه ۱۵۶۴ بر ضد سودان به این نکته اشاره کرد که گسترش جنگ‌های کوچک در جهان و افزایش آن تاحدودی دنیا را در مقابل تمایلات آمریکا قرار می‌دهد زیرا واشنگتن می‌خواهد نقش ژاندارم را بازی کند. وی تصریح کرد: آمریکا در آستانه غرق شدن در باتلاق عراق است و سلطه جویی این کشور بر جهان تنها ۲۰ سال دیگر دوام خواهد داشت.

دبیر کل سابق سازمان ملل متحد با انتقاد شدید از عملکرد اتحادیه اروپایی و تبعیت این اتحادیه از آمریکا و اسرائیل گفت: اتحادیه اروپایی به رغم داشتن امکانات مادی قادر به ایفای نقش سیاسی خود حتی در خاورمیانه نیست و هر گونه ایفای نقش آن تنها منوط به موافقت اسرائیل و آمریکا است.

پیام کوفی عنان به مناسبت روز جهانی صلح (۲۱ سپتامبر ۲۰۰۴)

روز بین المللی صلح همواره مناسبتی ویژه است اما امسال اهمیت بیشتری دارد. به دلیل اینکه روز بین المللی صلح امسال مصادف است با پنجاهمین سالگرد "ناقوس صلح" که ما هر ساله آن را در این روز به صدا می‌آوریم.



در سال ۱۹۵۴ این ناقوس به وسیله سکه‌های اهدایی کودکان ۶۰ کشور، ریخته‌گری و سپس از طرف انجمن ملل متحد ژاپن به سازمان ملل اهدا شد. از آن پس طی نیم قرن این ناقوس پیام محکمی درباره آمل بشریت برای صلح به سراسر جهان ارسال کرده است. همواره از هنگام اوج دوران جنگ سرد تا ظهور درگیری‌های درون کشوری، از زمان بحران گسترش بیماری ایدز تا تشدید تروریسم، آوای این ناقوس، مستمر، رسا و واقعی باقی مانده است. در حالی که به فجایع سال گذشته فکر می‌کنیم، امروز به زنگ این ناقوس به عنوان تسلی گوش فرا می‌دهیم و همچنان که خود را جهت حرکت در مسیر پیش رویمان آماده می‌کنیم، آن را به عنوان منبع کسب نیرو می‌نگریم. همزمان با گردهمایی کشورهای جهان در این هفته در پنجاه و نهمین اجلاس مجمع

ولادیمیر پوتین تاکید ورزید و آن را عاملی در تاثیر گذاری مثبت بر سیاست های داخلی دولت روسیه قلمداد کرد. در همین مناظره، جان کری سیاست داخلی ولادیمیر پوتین را مورد انتقاد قرار داد و گفت که دولت روسیه تمامی ایستگاه های تلویزیونی را تحت کنترل دارد و مخالفان را به زندان می اندازد.

کشتار مردم عراق بدست ارتش اشغالگر آمریکا

نیروهای آمریکایی در کناره شرقی فلوجه مشغول در نبرد سنگین با شبه نظامیان مسلح این شهر بوده اند.



در این نبرد که بخشی از تلاش های آمریکا برای تحکیم موقعیت دولت موقت عراق در آستانه انتخابات ماه ژانویه است، تانک ها و هواپیماهای آمریکایی مواضع نهضت مقاومت مردم عراق را در شرق فلوجه بمباران کردند و پاسخ خود را از گلوله های آرپی. جی و خمپاره نیروی مقاومت عراق دریافت نمودند.

کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران منتشر کرده است:

- ۱- "مثل مرده در تابوت"، گزارش کامل ناظران حقوق بشر در ایران - ژوئن ۲۰۰۴ (خرداد ۱۳۸۲)
- ۲- "ماموریت در جمهوری اسلامی"، گزارش کامل آمبشی لیگابو نماینده ویژه سازمان ملل در مورد آزادی عقیده و بیان در ایران
- ۳- مهمترین قراردادهای بین المللی حقوق بشر
- ۴- متن کامل گزارش سال ۲۰۰۴ سازمان عفو بین المللی در مورد حقوق بشر در ایران
- ۵- متن کامل گزارش سال ۲۰۰۳ سازمان عفو بین المللی در مورد حقوق بشر در ایران
- ۶- متن کامل گزارش سال ۲۰۰۲ سازمان عفو بین المللی در مورد حقوق بشر در ایران
- ۷- متن کامل گزارش سال ۲۰۰۱ سازمان عفو بین المللی در مورد حقوق بشر در ایران
- ۸- نامه ها و بیانیه های کمیته دفاع از حقوق قربانیان قتلهای زنجیره ای
- ۹- متن کامل دفاعیه زرافشان در دادگاه تجدید نظر

اقتصادی هم بوده اند. گزارش یونیسف می افزاید که میزان مرگ و میر در میان کودکان در بعضی از کشورها افزایش یافته و بسیاری از کودکان به سوء تغذیه شدید مبتلا هستند. در نه کشور از ۲۷ کشوری که توسط یونیسف بررسی شده، ۱۴ میلیون کودک زیر خط فقر زندگی می کنند. در این رابطه نگران کننده ترین مساله برای یونیسف موضوع آموزش کودکان است.

جنایات جنگی اسرائیل

سازمان بین المللی حقوق بشر مستقر در پاریس در گزارشی نوشت: عملیات اسرائیل با نام "رنگین کمان" که با هدف تخریب تونل های قاچاق سلاح



در مرزهای مصر و رفح روی داد، یک سیاست مجازات دسته جمعی علیه مردم فلسطین بود. قوانین بین المللی چنین نقض های آشکاری را در زمره جنایات جنگی قرار می دهد.

این گروه اعلام کرد، هدف اعلام شده این عملیات قانع کننده نبوده و این رژیم خودسرانه به تخریب گسترده ی منازل شخصی فلسطینیان بدون هیچ دلیل قانع کننده ی مرتبط با الزامات نظامی پرداخته است. در جریان این حملات که یک هفته به طول انجامید و در ۲۵ ماه مه به پایان رسید، صدها خانه از منازل فلسطینیان تخریب و بیش از ۴۰ فلسطینی به شهادت رسیدند.

در همین راستا گروه بهداشت (MDM) که تحقیقات مشترکی را درخصوص عملیات "رنگین کمان" با این سازمان بین المللی حقوق بشر انجام داده، با انتشار گزارشی حملات بی امان ارتش رژیم اشغالگر علیه غیر نظامیان را محکوم کرد. در این گزارش آمده است، تخریب و اشغال منازل توسط اسرائیل پیامدهای روانی جدی بر این مردم داشته است.

پوتین از بوش

حمایت میکند.

ولادیمیر پوتین در حمایت از بوش هشدار داده است که



هرگاه تندروهای عراقی به هدف خود که جلوگیری از انتخاب مجدد آقای بوش است دست یابند، چنین موفقیتی باعث تقویت گروه های تروریستی در سرتاسر جهان خواهد شد. در نخستین مناظره بین آقایان بوش و کری، جورج بوش بر روابط نزدیک با

جان پیلجر - برگردان: علی فیاض

هنگامی که دولت‌ها دیوانه می‌شوند



هنگامی که دولت‌ها دیوانه می‌شوند، چه می‌توان کرد؟

جهان در حال تقسیم شدن به دو جبهه متخاصم است: اسلام و "ما". این پیام تردیدناپذیری است که از سوی دولت‌ها و رسانه‌های غربی، از قبیل رادیو و تلویزیون ارائه می‌شود. کلمه تروریست‌ها به جای اسلام به کار گرفته می‌شود. این موضوع یادآور جنگ سرد است که جهان بین "کمونیست‌ها" و ما تقسیم شده بود. در آن هنگام ما برای دفاع از خود، به کار گرفتن یک استرژژی نابودکننده را قابل قبول می‌دانستیم. ما اکنون می‌دانیم - و یا بهتر است بدانیم - که بخش عظیمی از آن، تنها یک ظاهرسازی بود. اسناد رسمی عمومی شده نشان می‌دهند که مطرح نمودن تهدید از ناحیه شوروی، تنها برای ایجاد تاثیر بر افکار عمومی بوده است.

هر روز، درست همانند زمان جنگ سرد، ما با تصاویر فریبنده، توجیه شده و یکجانبه‌ای از رویدادهای جهانی مواجه هستیم. این تهدید جدید همراه با هر عملیات تروریستی که در هر جای جهان چه در بسلان (۱) و چه در جاکارتا روی دهد، مورد تاکید قرار می‌گیرد. بر اساس یک نگرش اخلاقی یکجانبه، رهبران ما مرتکب اشتباهات بسیار جدی می‌شوند، اما "نیات نیکشان" هرگز مورد پرسش قرار نمی‌گیرد. هنگامی که تراژدی یونانی ایجاد شده در سقوط وضعیت سیاسی بلر در رسانه‌های انگلیسی به بحث گذاشته می‌شود، "ایده آلیسم" و "تناسب جهانی" او توسط همکاران دورو و مورد قبولش در بلوک سیاسی میانه مورد ستایش قرار می‌گیرد.

بلر در کشتار تعداد زیادی چون ۳۷۰۰۰ عراقی غیر نظامی سهمی است. اما این نه قربانیان وی، که آشفته گی وی است که موضوع خبر قرار می‌گیرد: از رقابت مرموز وی با کپی سیاسی خود، وزیر برنامه و بودجه، جورج براون، تا وارونه سازی موضوع مربوط به دمشق تا شعور و دانش مربوط به خطرات محیط زیست پیرامون کره زمین. اگر خشونت و ترور در بسلان می‌گذاشت، بلر - بدون طعنه و طنز یا زیر سؤال بردن - می‌گفت که "این تروریسم بین المللی نباید پیروز شود". همان کلماتی که موسولینی بلافاصله پس از اینکه غیر نظامیان آبینین (۲) را بمباران کرد، بیان نمود.

آن "از راه به در شدگانی" که فریبکاری کامل را در وجود بوش و بلر و همدستانان می‌بیند و آنها را به عنوان جنایتکار جنگی به معنی لغوی و حقوقی آن می‌داند، و دلایل و اسناد را برای اثبات

ارائه می‌دهند، تعداد زیادی نیستند، اما آنها از حمایت گسترده‌ای در میان افکار عمومی اروپایی که آگاهی و دانش آنان - بنا به تجارب شخصی ام - هرگز تا بدین حد گسترده نبوده است، برخوردار هستند. این عشق و نوع دوستی عمومی یکسان نگرانه، و رویگردانی از سیاست بازی روزمره قدیمی و علاقه به شدت رشد یابنده آنان برای اینکه جهان به راستی چگونه اداره می‌شود، صاحبان قدرت را نگران ساخته است.

• یک مقایسه ی تاریخی

بگذارید با چند مثال به چگونه گی تصویر ارائه شده از جهان نظری بیفکنیم و اینکه در واقعیت چگونه است. اشغال عراق "بحرانی" بیان می‌شود: یک ارتش شلخته و فاقد لیاقت که با متعصبین اسلامی به نبرد مشغول است. اما در واقعیت امر این اشغالگری، یک تهاجم خونین حساب شده سران نظامی آمریکایی علیه مردمی غیر نظامی است که با چراغ سبزه‌های رهبران خود در واشنگتن هدایت می‌شود. در ماه مه نیروی دریایی آمریکا از تانک و هلیکوپتر برای حمله به محله‌های فقیرنشین شهر فلوجه استفاده نمود. آنها، به گفته خودشان، ۶۰۰ نفر را به قتل رساندند؛ رقمی که در مقایسه با کل تعداد افرادی که توسط "شورشیان" در آن سال کشته شده بودند،

کلمه تروریست‌ها به پای اسلام به کار گرفته می‌شود. این موضوع یادآور جنگ سرد است که جهان بین "کمونیست‌ها" و ما تقسیم شده بود. در آن هنگام ما برای دفاع از خود، به کار گرفتن یک استرژژی نابودکننده را قابل قبول می‌دانستیم. ما اکنون می‌دانیم - و یا بهتر است بدانیم - که بخش عظیمی از آن، تنها یک ظاهرسازی بود. اسناد رسمی عمومی شده نشان می‌دهند که مطرح نمودن تهدید از ناحیه شوروی، تنها برای ایجاد تاثیر بر افکار عمومی بوده است.

بسیار بالاتر است. فرماندهان بسیار منضبط بودند: این کشتار بی معنی، انتقام قتل ۳ سرباز آمریکایی بود. ۶۰ سال پیش، هنگ دس ریش (۳) نازیست‌ها، ۶۰۰ غیر نظامی فرانسوی را در اورادورسور-گلان (۴) به انتقام ربوده شدن یک افسر آلمانی توسط نیروهای مقاومت، قتل عام کردند. آیا تفاوتی مشاهده می‌شود؟

اسرائیلی ها به عنوان تروریست یاد نمی کند؛ اصطلاحی که به طور ثابت در مورد فلسطینی هایی که در کشور خود همچون زندانی ها با آنان رفتار می شود، به کار می رود. تعجب آور نیست اگر نتیجه یک تحقیق تازه از سوی دانشگاه گلاسگو (۷) نشان می دهد که بسیاری از بینندگان تلویزیونی در انگلستان بر این باورند که این فلسطینی ها هستند که مهاجم و اشغالگرند.

در تاریخ ۷ سپتامبر یک فلسطینی با عمل انتحاری خود در شهر بیرشبا (۸)، شانزده اسرائیلی را به قتل رساند. در بخش خبری همه تلویزیون ها، به سخنگوی دولت اسرائیل این امکان داده شد که از این تراژدی برای توجیه ساخت دیوار نژادپرستانه دفاع نماید؛ چرا که ایجاد این دیوار در ارتباط مستقیم با عملیات خشونت آمیز فلسطینی ها توجیه می شود.

تقریباً همه گزارش های خبری بر این امر تاکید نمودند که این مورد، پایان یک دوره پنج ماهه "آرامش نسبی" و "توقف خشونت ها" بود. طی همین پنج ماه آرامش نسبی، تقریباً ۴۰۰ فلسطینی کشته شده بودند که در این میان ۷۱ نفر مخفیانه به قتل رسیده بودند. طی همین مدت توقف خشونت ها، ۷۳ کودک فلسطینی به قتل رسیدند. یک کودک ۱۳ ساله توسط گلوله ای که به قلبش اصابت کرد کشته شد. یک دختر بچه ۵ ساله هنگامی که دست در دست خواهر دوساله اش در حال قدم زدن بود، با گلوله ای که صورتش را متلاشی کرد به قتل رسید. مازن مجید ۱۴ ساله، هنگامی که همراه با خانواده اش از خانه خود که در حال فروریزی بود، می گریختند، با ۱۸ گلوله اسرائیلی سوراخ سوراخ شد

اگر کلمه تروریسم مفهوم مدرنی را در بر داشته باشد، آن را باید در تروریسم دولتی صنعتی جستجو نمود.

هیچکدام از این موارد در رسانه های جهت دهنده (افکار عمومی) به عنوان تروریسم گزارش نشدند. بیشتر این موارد اصلاً گزارش نشدند. هنگامی که این موارد اتفاق می افتاد، زمان صلح و آرامش و توقف خشونت ها بود. در ۱۹ ماه مه، تانک ها و هلی کوپترهای اسرائیلی به روی یک تظاهرات آرام صلح طلبانه آتش گشودند و ۸ نفر از راه پیمایان را به قتل رساندند. این کشتار خشونت آمیز مفهوم ویژه ای داشت؛ این راه پیمایی بخشی از یک جنبش دسته جمعی صلح آمیز فلسطینی رو به رشد به شمار می رفت که بیشتر اوقات همراه با مراسم نیایش در کنار دیوار نژاد پرستانه برگزار می شود. اوج گیری این جنبش متأثر از حرکت گاندی، حتی در جهان هیچ انعکاسی نمی یابد. حقیقت مربوط به چنین نیز به همین شکل نادیده گرفته میشود. در ۴ فوریه ۲۰۰۰، هواپیماهای

در حال حاضر آمریکایی ها به طور منظم به سوی فلوجه و دیگر شهرهای پر جمعیت اطراف، موشک پرانی می کنند. آنان تمامی اعضای خانواده ها را به قتل می رسانند. اگر کلمه تروریسم مفهوم مدرنی را در بر داشته باشد، آن را باید در تروریسم دولتی صنعتی جستجو نمود.

در ماه مه نیروی دریایی آمریکا از تانک و هلیکوپتر برای عملی به ممله های فقیرنشین شهر فلوجه استفاده نمود. آنها، به گفته خودشان، ۶۰۰ نفر را به قتل رسانند؛ رقمی که در مقایسه با کل تعداد افرادی که توسط "شورشیان" در آن سال کشته شده بودند،

انگلیسی ها شیوه دیگری در پیش گرفته اند. بیش از ۴۰ مورد شناسایی شده از قتل عراقی ها توسط سربازان انگلیسی می توان ذکر کرد. تنها یک سرباز به دادگاه فرا خوانده شده است.

در آخرین شماره مجله روزنامه نگار (۵)، لی گوردون (۶)، روزنامه نگار آزاد، می نویسد: "به عنوان انگلیسی در عراق کار کردن با ریسک همراه است، به خصوص در جنوب عراق که روش های خشونت آمیز سربازان ما، زیانزد خاص و عام می باشد (موردی که در رسانه های داخلی ما گزارش نمی شوند)." حتی نارضایتی های رو به رشد سربازان انگلیسی نیز گزارش نمی شود. تقریباً تمامی خانواده های سربازانی که در عراق کشته شده اند، اشغال عراق، و بلر را محکوم کرده اند؛ رویدادی تاریخی و استثنایی.

• تروریسم دولتی

تنها در صورت به رسمیت شناختن تروریسم دولتی است که امکان درک و فهم، و مقابله با عملیات تروریستی اجرا شده توسط گروه ها و افراد وجود دارد. عملیاتی که هر چقدر هم وحشتناک باشند، در مقایسه با بی رحمی های تروریسم دولتی ناچیز به شمار می آیند. به علاوه آنها زمینه و سرچشمه خود را از تروریسم رسمی می گیرند که هیچ زبان واسطه ای قادر به بیان آن نیست. به همین دلیل، دولت اسرائیل توانسته است بسیاری از ناظران بیرونی را متقاعد سازد که آنها قربانی تروریسم می باشند، در حالی که در اصل، این اسرائیل است که با طرح های سازش ناپذیرانه و تروریستی خود، زمینه ساز عملیات انتحاری مقابله جویانه فلسطینی ها را فراهم می آورد. با اینکه اسرائیلی ها نسبت به رسانه های عمومی اروپایی خشنماک می باشند، به ویژه در مورد بی بی سی - با روش ترساننده موفقیت آمیز - با این حال هرگز بی بی سی از

اینجا با علم بر اینکه به عهده گرفتن تمام تقصیر ها می تواند برای تو عواقب بدی داشته باشد، همه را به جان میخوری و برای دیگران از خودت میگذری.. هیچ کس حاضر به ماندن دیگری نیست .. هیچ کس حاضر به فروختن دیگری نیست .. اینجا همه با هم هستند .. پشت هم..

وقتی حکم آزادی را می آورند تنها احساسی که داری یک رنج طاقت فرساست ... نمی خواهم آزاد شوم، در زندان میمانم، ما با هم آمدم همگی با هم از زندان خارج میشویم... بعد به تو میگویند که قانون است، باید بروی. بعد از گذشت تمام این روزها حالا لحظه ای که حکم آزادی صادر میشود، اشک در چشمانت حلقه میزند ... چه آزادی درد آوری .. چه رنجی میکشی ... وقتی از درب بزرگ اوین به تنهایی خارج میشوی، با این اندیشه که میدانی هنوز همزملات در آن سلولهای تنگ، در آن تنهاییهای طاقت فرسا، روزها را به شب میرسانند و شب را صبح میکنند ... بغض گلویت را می فشارد .. خودت را کنترل میکنی اما نمی توانی .. باید رهاش کرد .. عینکت را به چشم میزنی تا هیچ کس چشمان اشک آلودت را نبیند و گمان نکند از رنج زندان به ستوه آمده ای.

وقتی اطرافیان دوره ات میکنند و تو را در آغوش میگیرند نمی توانی شاد باشی و شب را تا صبح با این فکر که الان دوستانت در آنجا چه میکنند بیدار میمانی و خواب به چشمانت نمی آید .. چه رنجی دارد این به اصطلاح " آزادی".

بیرون که میآیی بیشتر دلت میگیرد از خاموشی دیگران، از بی تفاوتیشان... اما باز به خود نهیب میزنی که خیالی نیست! آنها که نیستند، خوابیده اند و البته عده ای هم خودشان را به خواب زده اند. حالا وقتی در خیابان راه میروی .. صفهای اتوبوس .. تاکسی، با خودت میگویی کدام یک از این مردم میدانند که تو از کجا می آیی؟ کدام یک از آنها میدانند که در این مدت چه بر سر تو و دوستانت آمده است؟ برای کدام یک از آنها مهم است؟ مردمی که حتی حاضر نشدند درب پنجره هایشان را باز کنند و ببینند که تجمع ما در مقابل سازمان ملل به چه دلیل است... مردمی که با مشاهده دستگیری ما رویشان را بر میگرداندند تا نکند چیزی ببینند که برایشان خطرناک باشد .. با خودت میگویی چرا این مردم اینقدر بی غیرت شده اند؟ بعد باز هم چشمانت را روی هم میگذاری و فکر میکنی که عیبی ندارد، تو به راهیکه ایمان آورده ای ادامه میدهی و این تنها چیزی است که از زندان با خودت آورده ای زیر لب میگویی ادامه میدهم به هر قیمتی، به هر بهایی.

جنگی روسی، به روستای کاتیر یورت(۹) حمله کردند. آنها از "بمب های تنفسی" که گازهای بنزینی پخش می کنند که ریه های انسان را مورد هدف قرار می دهد و طبق کنوانسیون ژنو ممنوع می باشد، استفاده کردند. روس ها کاروانی را بمباران نمودند که زنده ماندگان را در حالی که پرچم سفید با خود حمل می کردند عبور می داد. آنها ۳۶۳ مرد، زن و کودک را به قتل رساندند. این تنها یکی از عملیات شناخته شده تروریستی بیشمار بود که توسط دولت روسیه به رهبری ولادیمیر پوتین که از همراهی و "همبستگی کامل" تونی بلر نیز بهره می برد، به انجام رسید.

تنها در صورت به رسمیت شناختن تروریسم دولتی است که امکان درک و فهم، و مقابله با عملیات تروریستی اجرا شده توسط گروه ها و افراد وجود دارد. عملیاتی که هر چقدر هم وحشتناک باشند، در مقایسه با بی رحمی های تروریسم دولتی ناپییز به شمار می آیند

به گفته درام پرداز معاصر، آرتور میلر(۱۰): "تعداد کمی از ما می توانند به آسانی و بی هیچ مشکلی این اعتقاد خود را از دست بدهند که جامعه به نوعی به سوی عقلانیت هدایت شده است. اندیشه این که دولت دچار جنون شده است و بسیاری از انسان های بی گناه را به مجازات می رساند، قابل پذیرش نیست و به همین دلیل نیز، اسناد و دلایل باید پوشیده بمانند." توضیحات:

جان پیلجر، روزنامه نگار و مستندساز انگلیسی استرالیایی الاصل می باشد که در لندن زندگی می کند. وی تا کنون صدها مقاله درباره مسائل بین المللی، همراه با افشای روش های امپریالیستی و خشونت آمیز قدرت های غربی، به رشته تحریر درآورده و تا کنون چند جلد کتاب نیز منتشر نموده است که به زبان های دیگر، از جمله سوئدی، ترجمه و انتشار یافته اند. نظم روزانه نامریی، چیزی که نگذاشتند بدانیم، و ... از جمله آثار شاخص وی به شمار می روند. وی همچنین فیلم های مستند و تکان دهنده ای نیز درباره ویتنام، افغانستان، عراق و ... ساخته است.

از صفحه ۱ زندان اوین بند ۱

صداقت برخوردار کنی، اگر بگویی من هستم، من کردم آن وقت است که چهره هایشان در هم می شود و لحن کلامشان تغییر میکند. اینجا همه برای یکدیگر جان میدهند .. اینجا همه برای هم میبیرند .. وقتی به این مکان میآیی می فهمی که چقدر یکدیگر رادوست دارید که چقدر به هم وابسته اید.

عنوان کرد: حتا سلیقه ممیز هم براساس فشارهای موجود است. یعنی میز هم برای خودش ذهنیتی ندارد. اگر استنباط کند که این عبارت یا کتاب ممکن است مورد مخالفت سیستم قضایی یا جناحی قرار گیرد، خوش در این کتاب سانسور اعمال می‌کند. درحقیقت درگیری ما بر این اساس است که چه کسی قضاوت کرد.

وی درباره تاثیر روند اعمال فشار بر حوزه نشر کتاب، بر اعتماد ناشران، اذعان داشت: به همین جهت ما معتقدیم این کار غیر ضابطه‌مند است؛ به دلیل اینکه دلایل ذکر شده همیشه مبهم است. بیشتر کتاب‌هایی که الان در محاق توقف فرآیند انتشار هستند، به همین معضل دچارند. استنباط بررس یا هیات بررسی از کتاب بدون اینکه کتاب چاپ شود و در معرض بررسی افکار عمومی قرار گیرد، این است که ما این کارها را برای منافع شما می‌کنیم؛ ولی ما می‌گوییم اجازه بدهید که خودمان حافظ منافع خودمان باشیم.

ممیزی کتاب ناشر قبل از چاپ، امری غیرقانونی است؛ این را ما می‌دانیم، مسؤولان وزارت ارشاد می‌دانند، وزیر ارشاد

این مدیر انتشارات تاکید کرد: متأسفانه ضابطه مجوز را سیستم قضایی کشور اصلاً قبول ندارد. موضوع این است که سیستم قضایی کشور وزارت ارشاد را برای دادن مجوز به کتاب متولی نمی‌داند؛ اگر می‌دانست که کتاب‌ها بعد از چاپ مورد مجازات و پیگیری قضایی قرار نمی‌گرفتند. استدلال سیستم قضایی می‌گوید شما اصلاً مجاز به دادن مجوز به یک کتاب نبوده‌اید، بر چه مبنایی داده‌اید، با کدام عمل قانونی؟ می‌خواهم بگویم چگونه حتا در درون سیستم این تضادها وجود دارد؟

وی ادامه داد: قرار بود ناشر، کتاب را با مسؤولیت خودش چاپ کند، در صورتی که شاکی خصوصی یا مدعی‌العموم به عنوان شاکی دفاع از حقوق مردم کتاب را مغایر دید، موضوع در جلسه دادگاهی که به آن پیش‌دادگاه می‌گویند، با استدلال‌های هر دو طرف بررسی شود و آیا اینکه اصلاً جرمی اتفاق افتاده است یا نه، وقتی وقوع جرم معلوم شد، آن وقت نوع جرم را هیات منصفه‌ای شامل نمایندگان ناشر، قوه قضاییه، وزارت ارشاد و اتحادیه ناشران و کلیه مراجع صاحب نظر در امر کتاب معلوم کنند و آن‌ها در یک هیات قضاوت نظر دهند که آیا حق با شاکی است یا متهم؟

لاهیجی خاطر نشان کرد: اگر این فرایند اجرا شود، خیلی از مسائل حل خواهد شد. خواننده حق دارد به کتاب من اعتماد نکند؛ چون

شهلا لاهیجی - مدیر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

ممیزی کتاب برپایه کدام محمل قانونی در وزارت ارشاد اعمال می‌شود؟



یک ناشر با سابقه درباره نوع ممیزی اعمال شده حال حاضر در حوزه نشر کتاب معتقد است: ممیزی کتاب ناشر قبل از چاپ، امری غیرقانونی است؛ این را ما می‌دانیم، مسؤولان وزارت ارشاد می‌دانند، وزیر ارشاد می‌داند، رییس هیات دولت هم می‌داند.

شهلا لاهیجی - مدیر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان - در گفت‌وگو با خبرنگار بخش کتاب خبرگزاری دانشجویان ایران گفت: اینکه آیا ممیزی کتاب حوزه بزرگسال قانونی است یا غیر قانونی، سالها بحث ما بوده و هست. ما می‌گوییم براساس تفسیر قانون اساسی و مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، این ضابطه‌ای که در حال حاضر در وزارت ارشاد اعمال می‌شود، غیرقانونی است. اینکه چرا چنین عمل غیرقانونی دارد انجام می‌شود و هیچ راه حلی اعمال نمی‌شود، چیزی است که ما نمی‌دانیم.

او توضیح داد: ما بخشی از این امر را به فشارهای سیاسی روز تفسیر و تعبیر می‌کنیم. این طور به نظر می‌آید که هرگاه فشارهای سیاسی روز بر روی دولت سنگین می‌شود، مسؤولان وزارت ارشاد این فشار را به حوزه نشر منتقل می‌کنند.

وی یادآور شد: درباره ممیزی کتاب بدون اینکه هیچ ضابطه قانونی اعلام شود، بدون هیچ شناسایی به صورت اوراق نامشخص به ما اعلام می‌کنند که فلان قسمت کتاب را حذف کنید. این وضعیت است که نشر کتاب را هم بی‌ضابطه و هم بسیار متزلزل می‌کند؛ چون این امر براساس هیچ ضابطه قانونی انجام نمی‌شود.

لاهیجی افزود: برای من ناشر، نامعلوم است که چه چیزهایی نباید چاپ شود. البته به این اعتقاد ندارم که سانسور یا ضبط می‌تواند ضابطه‌مند شود. امر بی‌قانونی هرگز نمی‌تواند ضابطه‌ای داشته باشد؛ چون بنایش بر بی‌قانونی است. کتاب باید به مرحله عمل برسد و خلافی در آن واقع شود، شاکی خصوصی یا مدعی‌العموم داشته باشد، در این صورت باید جوابگوی قانون باشد. مثلاً به حقوق فرد یا جمع در کتابی توهین شده باشد. اعلام می‌شود که کتاب موجب تشویق اذهان عمومی شده است. این چه تعریفی دارد؟ من از کجا بفهمم که این قضاوت از کدام قاضی آمده که این کتاب موجب تشویش اذهان عمومی است؟ وی با تاکید بر اینکه در حال حاضر بین اعمال ممیزی و اعمال سلیقه رابطه مستقیم وجود دارد،

ناشر غیرواقعی از این وادی بیرون می‌رود؛ چون دیگر سودی برایش ندارد. وی تأکید کرد: تمام مساله نشر از شروع تا پایان در یک زنجیره نامبارک گرفتار شده است و تا کتاب در ایران درگیر مسائل سیاسی و اختلافات جناحی است، وضعیت همین گونه است.

پرا وزارت ارشاد مرحله سانسور را پنهانی اعمال می‌کند، این سؤال است که اگر قانونی است پس پرا پنهانی عمل می‌کند؟

لاهیجی گفت: مساله طرح جلد یکی دیگر از مشکلات است. یک دفعه از صبح شنبه‌ای گفتند تمام کتاب‌هایی که روی جلدشان تصویر زن است نباید چاپ شوند و باید به وزارت ارشاد بروند و فکر می‌کنم چند هفته است که به صورت جدی در وزارت ارشاد دارد اعمال می‌شود. هنوز هیچ‌گونه بخشنامه‌ای هم در این باره از سوی مقامی مسؤول به ما داده نشده است. یعنی باید با مصوبه درون هیات وزیران باشد؛ یا وزارت ارشاد. این باید اعلام شود تا ما بدانیم که داریم از روی کدام مرجع قانونی این ضابطه را اجرا می‌کنیم؟ ناگهان کسی در یک مکان قدرت اعلام می‌کند جلد کتاب‌ها مبتذل است؛ همین تعریف فشار به ناشر می‌آید که حالا جلد‌های هم باید مجوز داشته باشد و انتخاب این مساله هم کاملاً بی ضابطه است. باید ناشر از گیر سلیقه‌های خصوصی مقامات رهایی یابد. حالا این مقامات می‌خواهد مقام ممیز باشد، مقام نظارت باشد یا مدیریت کتاب، ما باید از شر سلیقه‌های شخصی و فشارهای بیرونی بدون دلیل آزاد شویم و تا نشر گرفتار این مسائل است، همچنان دارای یک نشر مفلوک و محتاج حمایت دولت هستیم. البته شاید هم سیستم فرهنگی کشور چنین نشری را می‌طلبد؛ نمی‌دانم، اما بدانیم که اگر ما بناست وارد صحنه جهانی شویم، باید ضوابط جهانی را رعایت کنیم. این را من ناشر می‌دانم، آقایان و متأسفانه مسؤولان هم می‌دانند، اما چرا نشر مریض را به سوی سقوط می‌برند؟

لاهیجی در بخش پایانی گفته‌هایش گفت: فکر می‌کنم اگر یک مسؤول دلسوز در رأس نشر و مسائل فرهنگی مملکت باشد، وقتی تیراژ کتاب را ۱۱۰۰ تا ببیند، باید بر خودش بلرزد؛ برای مملکتی با بیش از ۶۰ میلیون جمعیت. تاجیکستان ۶ میلیونی کمترین تیراژ کتابش ۲۰ تا ۳۰ هزار نسخه است و خواننده اینجا از خودش می‌پرسد چرا کتاب بخواند و اصلاً برای چه بخواند؟ فکر می‌کنم آقایان این طور به نظرشان می‌آید که ما ساز مخالف می‌زنیم؛ در حالی که اینطور نیست. ما دغدغه فرهنگ این مملکت را داریم و

بقیه در صفحه ۱۲

می‌داند کتاب من جایی ممیزی شده است، می‌داند که من ناشر، مجبورم در متن کتاب دست ببرم و اعتماد او از من و کتاب من سلب می‌شود. ما چگونه می‌توانیم به این آدم بگوییم برو کتاب بخوان؟!

وی با اعلام اینکه تمام اثرات ممیزی منفی است، افزود: در درجه اول شکستن قانون با این دلیل که چرا وزارت ارشاد مرحله سانسور را پنهانی اعمال می‌کند، این سؤال است که اگر قانونی است پس چرا پنهانی عمل می‌کند؟ این را مکتوب در سربرگ و امضای مشخص بدهند. به ما کاغذهای بی نام و نشان می‌دهند که در وسط آن نوشته شده چاپ این کتاب ممنوع است. این برای هیچ کس قابل تصور نیست و وقتی می‌گوییم اصلاً کسی نمی‌تواند باور کند، حالا شما تصور کنید که ما می‌خواهیم عضو کنوانسیون کپی‌رایت هم بشویم، فلان کتاب میلان کوندرا، ۵۰ صفحه‌اش حذف شد، ما چه باید بکنیم با نویسنده‌ای که اصلاً خودش خبر ندارد؟ موضوع این است که ما با این برخورد با ادبیات جهان، از یک جهت باعث افت نشر در ایران می‌شویم.

اگر ما اتحادیه‌ای داشتیم که به معنای واقعی توان حمایت از ناشران را داشت، وضعمان پور دیگری بود.

مدیر نشر روشنگران و مطالعات زنان درباره عملکرد اتحادیه ناشران به عنوان صنف در قبال این مساله اظهار داشت: متأسفم، به نظرم تمام مشکلات ما برمی‌گردد به اتحادیه ضعیف ناشران. اگر ما اتحادیه‌ای داشتیم که به معنای واقعی توان حمایت از ناشران را داشت، وضعمان جور دیگری بود. البته بخشی از این اختیارات را هم سیستم حکومتی از اتحادیه گرفته است. مطابق تمام قوانین صنفی، پروانه هر شغل باید به وسیله اتحادیه‌اش صادر شود و او با در نظر گرفتن منافع صنف به کسی پروانه اشتغال بدهد؛ یا ندهد. در حال حاضر وزارت ارشاد می‌دهد، بدون در نظر گرفتن تعداد ناشران، به علت اینکه در این بخش اعمال قدرت می‌کند و به کسانی که دلخواه خودش هستند پروانه نشر می‌دهد.

وی گفت: این اقدامات باعث سوء استفاده در امر کاغذ و نشر می‌شود که یک کالای استراتژیک است. ناشرانی هستند که فقط به این وادی می‌آیند؛ برای اینکه فکر می‌کنند با این کار می‌توانند ثروتمند شوند. من آنها را اصلاً ناشر نمی‌دانم، پیشنهاد می‌کنم که اصلاً رانت کاغذ را بردارند و نگذارند این به صورت قده چرکین در درون صنعت نشر بماند؛ به طوری که حتا ناشران خوب را به شکلی از فساد سوق بدهد. در این صورت ناشر واقعی می‌ماند و

عبدالکریم لاهیجی



دومین کنگره جهانی مبارزه با مجازات اعدام در مونترال

دومین کنگره جهانی مبارزه با اعدام از روز ششم اکتبر، پانزدهم مهر ماه، در شهر مونترال کانادا آغاز شد و تا روز نهم اکتبر، هجدهم مهر ماه، ادامه یافت.

در این رابطه کیواندخت قهاری برای آگاهی از اینکه چه کسانی در این کنگره شرکت می‌کنند و موضوع کانونی بحث در آن چیست، از دکتر عبدالکریم لاهیجی، رییس جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران و نایب رییس فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر دعوت به مصاحبه کرده است.

ک. ق: آقای دکتر عبدالکریم لاهیجی، دومین کنگره ی جهانی مبارزه با مجازات اعدام در مونترال برگزار می شود. برگزارکنندگان این کنگره چه کسانی هستند؟

عبدالکریم لاهیجی: گروهی از سازمانهای حقوق بشری بین المللی و ملی. از جمله «عفو بین الملل»، «فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر»، «جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران» جمعی را تشکیل داده اند، زیر عنوان «همه با هم برضد مجازات اعدام» به خاطر مبارزه با مجازات اعدام در دنیا. نخستین کنگره ی جهانی ۲ سال پیش در استراسبورگ در کاخ پارلمان اروپا و با حمایت وسیع پارلمان اروپا تشکیل شد و کنگره ی امسال دومین کنگره ای ست که در مونترال با حمایت بسیاری از سازمانهای حقوق بشر و سازمانهای ملی کانادایی و از جمله دانشگاه «مک کیل» کانادا در مونترال برگزار می شود.

ک. ق: به جز سازمان‌دهندگان این کنگره چه کسانی در این کنگره شرکت می کنند؟

عبدالکریم لاهیجی: در این کنگره تمام سازمانهای حقوق بشری و تمام سازمانهایی که برای لغو مجازات اعدام مبارزه می کنند، شرکت دارند و فکر می کنم که تعداد شرکت کنندگان از نخستین کنگره ای که در استراسبورگ انجام شد، بیشتر باشد. بهرحال سازمان‌دهندگان کنگره بعدا صورت شرکت کنندگان در این کنگره را منتشر خواهند کرد.

ک. ق: آیا از ایران کسی در این کنگره شرکت کرده است؟

عبدالکریم لاهیجی: متأسفانه از ایران، ما یعنی «جامعه دفاع از حقوق بشر» نتوانستیم به لحاظ نبودن وقت شرکت کنیم، ولی چون فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر نقش اصلی را در این کنگره خواهد داشت، بنابراین صدای ما نیز می رسد. کانون

مدافعان حقوق بشر هم نتوانست ولی چون عضو فدراسیون است، فدراسیون صدای کانون را هم منعکس خواهد کرد. به خصوص که شیرین عبادی پیامی ویدئویی برای کنگره فرستاده است که تا آنجایی که من خبر دارم پریروز پخش شده است. قرار بود آقای عمادالدین باقی، رییس «کانون دفاع از زندانیان» که دعوت شده بود، شرکت کند. ولی متأسفانه جلوی ایشان را گرفتند و پاسپورتش را توقیف کردند.

در ارتباط با قاره ی آسیا که سیاهکارترین قاره است از جهت وفور مجازات اعدام، که کشورهای مثل ایران، چین، عربستان سعودی در صدر این کشورها هستند، و باز نگرانی فود را اعلام کنیم که در کشورهای مانند ایران زیر حکومت جمهوری اسلامی که هتا نوبوانان زیر ۱۸ سال هم مملوم به اعدام می شوند. به طوری که اطلاع داریم ۲۵ نوبوان ایرانی، نابالغ، مملوم به اعدام شده اند و هر روز در انتظار پوبه ی دار هستند

ک. ق: موضوع کانونی کنگره ی امسال چیست؟

عبدالکریم لاهیجی: موضوع کانونی این است که ما ضمن آنکه ابراز امیدواری و خوشحالی می کنیم که این مبارزه در گستره ی جهان روز به روز پیش می رود و امروز باید از یکطرف با تأسف بگوییم که در دو کشور دمکراتیک همچنان اعدام رواج دارد مانند ژاپن و آمریکا، ولی از سوی دیگر در بیش از ۷۰٪ کشورهای عضو سازمان ملل یا اعدام به کلی لغو شده یا حداقل اجرای اعدام متوقف شده است. می توانم مثال بزنم که در کشورهای اروپایی و روسیه و بسیاری از کشورهای آفریقایی که اگر مجازات اعدام را لغو نکرده اند، حداقل اعدام متوقف شده است. اتحادیه ی اروپا یکی از پیش شرطهای الحاق به اتحادیه اروپا را لغو مجازات اعدام گذاشته است. همچنان که می دانیم ترکیه ناگزیر شد پارسال مجازات اعدام را لغو کند، ولی باز از سوی دیگر باید تأسف خود را اعلام کنیم، بویژه در ارتباط با قاره ی آسیا که سیاهکارترین قاره است از جهت وفور مجازات اعدام، که کشورهای مثل ایران، چین، عربستان سعودی در صدر این کشورها هستند، و باز نگرانی خود را اعلام کنیم که در کشورهای مانند ایران زیر حکومت

مرزی است. همچنان مشکل ما بی‌برنامگی کلان برنامه‌های فرهنگی است.

* ماده ۵ اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب؛ مصوب جلسات ۱۴۷ - ۱۴۸ - ۱۴۹ مورخ ۶ و ۱۳ و ۲۰/۰۲/۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی، تنها درباره نشر کتاب های ویژه کودکان و نوجوانان تاکید و صراحت دارد:

«نظر به حساسیت و جنبه‌های خاص کتابهای کودکان و نوجوانان، هیات ویژه‌ای به نام هیات نظارت بر نشر کتابهای کودکان و نوجوانان متشکل از حداقل پنج تن از افراد صاحب نظر و آگاه به امور تربیتی (از دیدگاه اسلامی) و مسائل خاص کتابهای کودکان تشکیل خواهد شد.»

بقیه از صفحه ۱۴ تنها صنعت آمریکا

آمریکا سالها انجام میداده است: به کار خودتان برسید. زمانی که ما دست از این کار کشیدیم، سقوطمان آغاز شد. ما قصد کردیم اقتصاد روسیه را متلاشی کنیم و اینکار را انجام دادیم. همانگونه که عثامه بن لادن بدون راه انداختن جنجال تبلیغاتی نظام سیاسی ما را متلاشی کرد. بدان میماند که او همه آنچه را که موجب این بود که ما دارای جمهوریت باشیم، از بین ببرد و هم ۵ آنچه را که ما را از اینکه به استبداد مبتلا گردیم حفظ میکرد، واژگون کند. می پرسید بر علیه تروریسم چکار می توان کرد؟ اگر من جای بوش می بودم، هیچ اقدامی بر علیه عراق یا افغانستان نمی کردم. به پلیس بین المللی اینترپل مراجعه میکردم، همان کاری را که در مقابله با مافیا می کنند. این درست نیست که کارگران مزارع را به خدمت در آورده و بدست آنها اسلحه داده و آنها را به سرزمینی بفرستیم که تا کنون کوچکترین اطلاعی هم از آن نداشته اند. و به آنها بگوئیم باید آنجا ترقی و تروق به راه بیاندازند. این نه تنها ظلم است، که حماقت نیز می باشد.

س: شما زمانی از نزدیکترین افراد به رئیس جمهور اسبق آمریکا، جان اف کندی بودید. دلیل اینکه آنزمان پای خود را از سیاست کنار کشیدید چه بود؟

ج: من میخواستم مؤثر باشم و نفوذ داشته باشم و نه چیز دیگری. آنجا، در مجلس سنای آمریکا، افرادی هستند که من به هیچ وجه راضی نیستم با آنها در ارتباط قرار بگیرم. من شهوت مقام ندارم. من دیدم که کنگره فاقد قدرت بود. و من خودم نمی توانستم رئیس جمهور شوم. به همین دلیل دست کشیدم.

جمهوری اسلامی که حتا نوجوانان زیر ۱۸ سال هم محکوم به اعدام می شوند. به طوری که اطلاع داریم ۲۵ نوجوان ایرانی، نابالغ، محکوم به اعدام شده اند و هر روز در انتظار چوبه ی دار هستند. ما با توجه به کنوانسیون حقوق کودک که ایران هم به آن ملحق شده است، در وهله ی اول از اتحادیه ی اروپا خواسته ایم که در قطعنامه ای که ماه آینده به مجمع عمومی سازمان ملل درباره ی وضع حقوق بشر در ایران تقدیم خواهند کرد، از جمهوری اسلامی به طور قاطع خواسته شود که از محکوم کردن اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال خودداری کنند و بعد هم در ارتباط با محدود کردن مجازات اعدام تا زمانی که مجازات اعدام در ایران لغو نشده است، اجرای مجازات اعدام را متوقف کند. این موضوع و موضوعهایی نظیر این که در ارتباط با بقیه ی کشورها است، جزو مسایلی ست که در این کنگره به بحث گذاشته خواهد شد. قطعنامه های صادره از کنگره هم در پایان کار کنگره که روز شنبه خواهد بود، انتشار خواهد یافت.

نفس‌تین کنگره ی جهانی ۲ سال پیش در استراسبورگ در کاخ پارلمان اروپا و با حمایت وسیع پارلمان اروپا تشکیل شد و کنگره ی امسال دومین کنگره ای ست که در مونترال با حمایت بسیاری از سازمانهای حقوق بشر و سازمانهای ملی کانادایی و از جمله دانشگاه «مک کیل» کانادا در مونترال برگزار می شود.

ک. ق: در کجا؟

عبدالکریم لاهیجی: در سایتهای سازمانهای حقوق بشری مانند عفو بین الملل، فدراسیون بین المللی حقوق بشر و دیگر سازمانهایی که به خصوص در امر مبارزه با مجازات اعدام بسیار فعال هستند.

بقیه از صفحه ۱۰ شهلا لاهیجی...

تمام تلاشمان در نشان دادن چهره متفاوتی از ایران به بیرون است. ولی عملاً وقتی اینها را مثل آینه جلوی ما می گیرند، ما چه بگوئیم وقتی می گویند حتا مدیر کل این مملکت هم مبرا نیست از اینکه مورد اتهام قرار گیرد که چرا سانسور اعمال نکرده است، ما چه می توانیم بگوئیم؟ چیز دیگر جدید اینکه حالا دیگر یک کتاب را یک ناشر می تواند در بیاورد؛ اما ناشر دیگر نه؛ ناشری که مجوز داریم دارد. اینها را چه کسی مطرح می کند؟ احتمالاً فشارهای بیرونی است؛ وگرنه فکر می کنم درون سیستم آشفتنگی بی حد و

گفتگو با گوره ویدال Gore Vidal

ترجمه: حمید بهشتی

تنها صنعت آمریکا توسعه زندانها میباشد

س: شما تحت عنوان "آمریکایی فراموشکار" مطلبی نوشته اید. مگر بر سر حافظه آمریکائیان چه آمده است؟

ج: فراموش کرده ام! (و با خنده می افزاید) آخر من هم آمریکائی بوده و به فراموشکاری مبتلا می باشم.

س: اما شما کتب تاریخی بسیاری نوشته اید و روی توانمندی حافظه خود کار کرده اید.

ج: بله همینطور است. در آمریکا همه امور متوجه زمان حال و آینده می باشند. آمریکائیان از تاریخ همواره منزجر بوده اند. شاید این بدان خاطر باشد که خیلی چیزها را نمی خواهند به یاد بیاورند. تشخیص این قضیه امر فوق العاده ای هم نیست. این فراموشکاری بویژه معلول رسانه های فاسد می باشد: تلویزیون، نیویورک تایمز، واشنگتن پست، اینها همگی ابزار دولت اند و بشدت مشمول سانسور. اما نه اینکه یک سانسورچی از طرف دولت با قلم قرمز اینکار را بکنند، بلکه توسط صاحبان این رسانه ها سانسور اعمال می شود: کارکنان میدانند که مطلوب صاحبان این رسانه ها چیست و مطابق آن عمل می کنند. نتیجه آن نیز ملتی است که تغذیه اطلاعاتی نادرست میشود. ۶۰ درصد آمریکائیان معتقدند که صدام حسین در واقعه ۱۱ سپتامبر دخیل بوده است.

س: شما گفته اید که یک امر تا کنون واقع نشده بود و آن اختراع جنگی است که بدون تهدید از خارج تحقق یابد.

ج: بله، ترور یک واژه انتزاعی است که جنگ بر علیه آن همانند جنگ با شوره سر می باشد، که برای مبارزه با آن به گردانهای ارتش یا تسلیحات اتمی متوسل نمی شوند و افغانستان و عراق را در هم نمی کوبند. این در نظر عموم به بدسلیفگی تعبیر می شود، اگر بگوئیم که انگیزه دولت در اینکار، علایق اقتصادی بوده است. اما واقعا چنین بود. زمانی که دولت بوش به قدرت رسید، دیک چنی دستور داد تحقیق کنند که مخازن نفت دنیا تا چه زمان کفایت می کنند. گفته شد که ۲۰۲۰ تمام میشود. یک کشور هوشیار که حافظه اش خوب کار کند، در این وضع درمیآید و می گوید: ما به منابع انرژی جدیدی نیاز داریم. اما کله بوش که به نحو عجیبی کار می کند، تصمیم گرفت به عراق حمله کرده، آنجا را اشغال نماید. زیرا که بلحاظ میزان ذخایر نفتی دومین کشور

دنیاست. او فکر می کرد که این کار ساده ایست: میروی به آنجا، نفت آنجا را بدست می گیری و آنرا به تگزاس تلمبه می زنی! اما به این سادگی ها نبود. و ما در واقع این جنگ را باخته ایم.

س: اما تهدیدی که در کار بود، حتما اگر هم که ما نخواهیم آنرا ترور بنامیم.

ج: به چه دلیل میگوئید تهدیدی در کار بوده؟ در فیزیک قانونی هست که می گوید هیچ عملی بدون عکس العمل نمی ماند. کدامین عمل ما بود که موجب تحریک متعصبین مذهبی گشت؟ فرض کنیم که عثامه بن لادن بانی ۱۱ سپتامبر بوده است، که احتمال آن نیز می رود، چه چیز باعث شد که او چنین عمل کند؟ ما پاسخ این پرسش را بخوبی می دانیم، زیرا که رئیس جمهور ما گفته است که او خبیث بوده و ما نیک سیرت هستیم! به همین سادگی است. چرا آمریکائیان به این نمی اندیشند که ما خودمان چه کرده ایم؟ ما عربستان سعودی را تحت سلطه خود در آوردیم. و عربستان سعودی در نظر مسلمانان جهان سرزمین مقدس به شمار می رود. بن لادن در همان آغاز کار گفت که او با این امر موافق نیست، و آمریکائیان کافر به سرزمین مقدس رفته اند و غیره. ما می توانستیم به سخنان طرف مقابل توجه کنیم. اما حاضر به اینکار نیستیم.

س: آیا بوش تظاهر به مذهبی بودن می کند یا که ایمان او اصیل است؟

ج: از خود او بپرسید، از من نپرسید. بنظر من این از همان حقه بازیهای رئیس جمهور های آمریکاست. او که مبتلا به الکلی و وابسته به شیشه مشروب بود، به دستجات مستقل مبارزه با این آفت مراجعه کرد و آنها هم غالباً دست به دامن مسیح و مسیحیت قشری می شوند.

س: شما گفته اید در آمریکا فقط یک حزب وجود دارد که دو جناح دست راستی دارد - جمهوریخواهان و دموکراتها. کدامیک از این دو جناح در انتخابات آینده پیروز خواهد شد؟

ج: بزرگترین امری که در باره آن در سال جاری گزارش خواهد شد، بخاطر بسپارید چه می گویم: سه شرکت هست که دستگاههای ثبت آراء را تولید می کنند که بر مبنای کامپیوتری کار می کنند. افراد به سطح مانیتور (که مانند صفحه تلویزیون می باشد - مترجم) دست می زنند و با اینکار یا بوش و یا کری را انتخاب می کنند، به نحو الکترونیک. اما در واقع این افراد نیستند که انتخاب می کنند. زیرا آن کسانی که مسئول این دستگاههای الکترونیک می باشند، قادرند نتیجه انتخابات را دستکاری کنند. هیچ مدرکی هم در کار نیست. نمیشود دستگاه را باز کرد و گفت

س: اما در صورتی که کری پیروز گردد، چه خواهد کرد؟ آیا از عراق عقب نشینی کرده و هرج و مرج به جای خواهد ماند؟

ج: چنین نخواهد شد. خواست من این است که چنین می شد، اما از آنجائیکه ما فاقد احزاب سیاسی هستیم، لذا سیاستی هم نداریم. و از آنجائیکه فاقد سیاست هستیم، لذا بحثی صورت نمی گیرد. و از آنجائیکه بحثی صورت نمی گیرد، لذا هیچ نمی دانیم که چه کارهائی را می باید در جهان انجام دهیم و از انجام چه کارهائی خودداری نماییم. ما دچار فراموشکاری هستیم. ما در زمان حالی بی پایان در حال سر خوردن هستیم. من فقط می گویم که ما کی هستیم و او در مقام ریاست جمهوری بر چه افرادی ریاست خواهد کرد. او یک شبه نمیتواند همه چیز را زیر و رو کند.

س: بنابراین چشم اندازی برای تحول بنظر شما نمی آید؟

ج: چشم اندازی وجود ندارد. سنکپ است. ما از نظر اقتصادی سنکپ خواهیم کرد. در حال حاضر چینی ها و ژاپنی ها بازارهای ما را می چرخانند. یک اقتصاد جدیدی بوجود خواهد آمد. کری رئیس جمهور ماشینی خواهد شد که به سوی انفجار به پیش می رود. پول و دارائی از دست رفته است. تنها صنعتی که در حال رشد می باشد، در آمریکا زندانها هستند. آنچه ما بر سر عراقیان در زندانها آورده ایم، همان بلائیست که آمریکائیان در زندانها با آن مواجه اند، از ۵۰ - ۶۰ سال پیش به اینسو.

س: اروپا خود را از جنگ عراق به دور نگاهداشت. قضاوت شما در این باره چیست؟

ج: شما فرصت این را دارید که در جنگ با آمریکا پیشدستی کنید و ببینید کار به کجا می کشد. اروپائیان بیش از آمریکائیان هستند. حقیقت اینست که اروپا بسیار غنی تر از ماست. زیرا که ما پول خود را صرف تسلیحات کرده ایم. ما در واقع هیچ نظام آموزشی برای فقرا در آمریکا نداریم و آنها توده های مردم را تشکیل می دهند. ما فاقد نظام پزشکی هستیم، هیچ نداریم. ما هیچ چیز به دستمان نمی رسد در حالیکه بالاترین مالیاتها را هم می پردازیم. امروز در روزنامه خواندم که شهروندان ۲۷ کشور می باید مشمول انگشت نگاری گردند، اگر که آنها قصد ورود به آمریکا را داشته باشند. آیا این بهترین دلیل نیست که کسی به آمریکا نرود؟

س: آیا سیاست نظارتگری که اروپا در پیش گرفته است و در عین حال به قضاوت نیز نشسته است، کار درستی است؟

ج: هر چه باشد این سیاست به داغون کردن کابل و بغداد نمی انجامد. به نظر من شما باید کاری را بکنید که ایالات متحده

بقیه در صفحه ۱۲

که انتخاب کننده ای که در ساعت ۹ و ۱۰ دقیقه صبح رأی داد، مشخصاً به کری رأی داده است. هیچ مدرک کاغذی وجود ندارد. این بزرگترین ماجرای این سال انتخابات خواهد بود و غوغائی بر پا خواهد شد. من فکر می کنم که کری برنده انتخابات خواهد شد و بوش رئیس جمهور گشته و سوگند یاد خواهد کرد. همانگونه که گور در سال ۲۰۰۰ انتخابات را برد و بوش به ریاست جمهوری رسید، زیرا که مسئولین انتخابات طرفدار او بودند.

(عمل به عراق بفاطر) علایق اقتصادی بوده است.. زمانی که دولت بوش به قدرت رسید، دیک پنی دستور داد تحقیق کنند که میزان نفت دنیا تا چه زمان کفایت می کنند. گفته شد که ۲۰۲۰ تمام میشود بنابراین ما به منابع انرژی جدیدی نیاز داریم. بوش تصمیم گرفت به عراق حمله کرده، آنها را اشغال نماید. زیرا که بلافاصله میزان ذخایر نفتی دومین کشور دنیاست. او فکر می کرد که این کار ساده ایست؛ میروی به آنها، نفت آنها را بدست می گیری و آنها به تگراس تلمبه می زنی! اما به این سادگی ها نبود. و ما در واقع این جنگ را باخته ایم.

س: اما در صورتی که کری انتخابات را ببرد، چه خواهد شد و چه تحولاتی صورت خواهد گرفت؟

ج: کشوری را که صد در صد نظامی شده باشد، نمیتوان تغییر داد. این دستاورد هاری ترومن است و به سال ۱۹۵۰ بر می گردد. از آنزمان ما یک کشور امنیت ملی هستیم، این عنوان و تعریف رسمی است.

زمانی که از کنفوسیوس پرسیدند اگر چنانچه وی قیصر چین می بود چه می کرد، پاسخ داد: من زبان را منزه میکردم. زبان به شدت مورد سوء استفاده قرار می گیرد و مردم نمی فهمند که قیصر چه می گوید. اگر من قیصر می بودم، دقیقاً همین کار را میکردم. زبان را منزه می کردم، به گونه ای که دیگر به زبان پنتاگونی صحبت نکنیم یا ادای دلقک بازی های تلویزیونی (سیت کام Sit-com) را در نیاوریم.

علی اشرف درویشیان



فضای نظامی

فشار بر خبرنگاران و نویسندگان و همچنین کارکنان فنی سایتهای اینترنتی در ایران، احضار آنها به دادگاه و دستگیری برخی از آنها روزبه روز افزایش می یابد. برخی از این دستگیرشدگان از اعضای «کانون نویسندگان ایران» هستند. در همین زمینه، علی اشرف درویشیان از اعضای فعال «کانون نویسندگان ایران» به پرسشهای بهنام باوندپور پاسخ داده است.

بهنام باوندپور: آقای علی اشرف درویشیان، گویا آقای محسن حکیمی و ۶ تن از اعضای «صنف کارگران خیابان» که در جریان مراسم بزرگداشت روز جهانی کارگر توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بودند، پیش از آزادی با سپردن وثیقه های سنگین اعتصاب غذا کرده بودند. این اعتصاب غذا چه تاثیری بر وضع جسمی بازداشت شدگان داشته است؟

علی اشرف درویشیان: این افراد در همان روزهای اولیه که در آنجا بازداشت شدند، دست به اعتصاب غذا زدند که این اعتصاب غذا برایشان بسیار سنگین بود و به خصوص باعث شد که آقای محسن حکیمی، عضو کانون نویسندگان ایران، دچار خونریزی معده شوند و دچار مشکلاتی شد که حتی زمانی که بعد از آزادی ایشان، با سپردن وثیقه ی سنگین ۲۰۰ میلیون تومانی، به تهران آمدند تحت معالجه بودند.

بهنام باوندپور: آخرین اطلاعی که از وضع دیگر دستگیرشدگان کانون نویسندگان ایران، آقایان شهرام رفیع زاده و نصرت مهرگان دارید، چیست؟ علی اشرف درویشیان: آنها همچنان زندانی هستند و به خصوص آقای نصرت مهرگان در انتظار دادگاهش می باشد. آقای شهرام رفیع زاده هم هنوز در بند هستند.

بهنام باوندپور: آقای درویشیان، علاوه بر اعضای نامبرده ی کانون نویسندگان، تعداد دیگری از خبرنگاران و کادرهای فنی سایتهای اینترنتی مستقل یا وابسته به اصلاح طلبان هم دستگیر شده اند. به نظر شما دلیل موج گسترده ی دستگیری ها و تشدید فشار بر رسانه های گروهی مستقل در شرایط کنونی ایران چیست؟

علی اشرف درویشیان: دلیل عمده ی این مسئله، یعنی فشارهای که بر مطبوعات اعمال می شود، این است که خبرها را منتشر نکنند، اطلاع رسانی بین مردم نشود و مردم همچنان از اوضاع مملکتشان بی خبر بمانند تا عده ای برای خودشان هر کاری که می خواهند،

بکنند و مملکت را به سکون بکشانند. این مسئله هیچ دلیل دیگری ندارد. به خصوص بستن سایتهای اینترنتی و دستگیری دوستانی که به این کار مشغولند اعم از وبلاگ نویسان و غیره، هیچ دلیل دیگری ندارد، جز اینکه آنها می خواهند هیچگونه اطلاع رسانی از اوضاع جامعه وجود نداشته باشد و آنچه را که دلشان می خواهند به عنوان خبر به خورد مردم بدهند. و گرنه هیچ دلیل دیگری ندارد.

بهنام باوندپور: برخی تحلیلگران سیاسی و فعالان حقوق بشر، مثلاً آقایان عیسی سحرخیز و دکتر نعمت احمدی، جو کنونی حاکم بر این را «فضای نظامی» نامیده اند. حتا «جبهه ی مشارکت ایران اسلامی» هم از بازسازی و تجدید سازماندهی گروههایی ابراز نگرانی کرده است که همان اندیشه ی سعید امامی و قتل های سیاسی موسوم به «قتل های زنجیره ای» را دنبال می کنند.

آیا شما هم چنین فضایی را احساس می کنید؟

علی اشرف درویشیان: من هم چنین حسی دارم که جامعه ی و مملکت ما به سمت این فضا می رود. یعنی نوعی نظامی شدن و سپردن مسئولیت های عمده به چهره های معروف نظامی وجود دارد و کاملاً محسوس است و من هم آن را حس می کنم.

بهنام باوندپور: آقای درویشیان شکل این قضیه چگونه است، یعنی در شهرها چگونه نمودی دارد؟ مثلاً در تهران؟

علی اشرف درویشیان: وقتی ما مشاهده می کنیم که مسئولیت ها را به افرادی می سپارند که سابقه ی نظامی دارند، مشخص است که این فضا به همان سمت می رود. و ممکن است زمان کوتاهی این نظامی شدن مملکت از نظر آقایان کارساز باشد و به ایجاد آرامش محیط برای آنها کمک کند، ولی از نظر من دائمی نخواهد بود و خواهی ناخواهی مقاومتهایی خواهد شد و به گونه ای و در جاهایی اعتراضها بروز خواهد کرد. وضع به این صورت نخواهد ماند.

بهنام باوندپور: کانون نویسندگان ایران در شرایط کنونی غیر از

صدور بیانیه چه تریبونی برای بیان نظرات خود دارد؟

علی اشرف درویشیان: ما حقیقتاً هیچ تریبونی برای بیان نظراتمان نداریم، زیرا همه ی امکانات را از ما گرفته اند و در حال حاضر با تعدادی کم جلسات خود را در خانه های دوستانمان تشکیل میدهم چون جایی نداریم تا دور هم جمع شویم. حتا در آذرماه آینده نیز که می خواهیم به یاد دوستان از دست رفته ی مان، محمد مختاری و محمد جعفر پوینده، مجمع عمومی را تشکیل دهیم، امسال هم مانند همیشه با مخالفت رو به رو خواهیم شد، ولی ما تلاش خود را خواهیم کرد. تا زمانی که وضع بدین منوال باشد ما هیچ چاره ای

بقیه در صفحه آخر



ترجمه: ن. نوریزاده

E/CN.4/2004/62/ADD.2

۱۲ ژانویه ۲۰۰۴ (۱۲ دیمه ۱۳۸۲)

شستمین نشست کمیسیون حقوق بشر

قسمت آخر

ماموریت در جمهوری اسلامی ایران

گزارش آمبسی لیگابو گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد

در مورد

حق آزادی عقیده و بیان در ایران

نتیجه گیری و پیشنهادات

۸۹- گزارشگر ویژه مایل است تاکید نماید که حق آزادی عقیده و بیان در حقیقت بمثابة قلب حفاظتی حقوق بشر بحساب میآید. بدین جهت او مصوبه کمیسیون حقوق بشر ۲۰۰۳/۴۲ را یادآور میشود که "اجرای موثر و حفظ و رعایت حقوق بشر در حقیقت اجرای حق آزادی عقیده و بیان است زیرا حفظ و تامین حیثیت انسانی اهمیت اساسی دارد" و در مقابل "محدود کردن حق آزادی عقیده و بیان نشانگر زوال پذیری و رعایت نکردن حقوق بشر و بی توجهی به دیگران در برخورداری از آزادیهای اساسی است.

الف - چهارچوب نهادی

۹۰- در خلال دیدار گزارشگر ویژه از ایران، او دریافت که یک تمایل شدید در میان جامعه مدنی برای اجرای اصلاحات وجود دارد. همچنین به موازات آن، میل به اصلاحات نیز در اعضای مجلس و مقامات سطح بالای مملکتی مشهود است. گزارشگر ویژه با خوشنودی و رضایت بیان میدارد که در بیشتر گفتگوهایش بهبودی وضع حقوق بشر ویژه حق آزادی عقیده و بیان، بعنوان اولین قدم ضروری برای اصلاحات، تشخیص داده شده بود.

۹۱- بدین جهت، گزارشگر ویژه تصدیق مینماید که دولت در بعضی مواقع توجه و حساسیت خود را در مورد تصمیمات قضائی نسبت به روشنفکران و روزنامه نگاران و توقیف بعضی از روزنامه

ها نشان داده است. (برای مثال در مورد پرونده آقای آغاچری و خانم کاظمی)

۹۲- او همچنین تصدیق می نماید که دولت و مجلس در سطح قانونگذاری برای بهبود وضع حقوق بشر و آزادیهای اساسی در چهارچوب قانون بسیار تلاش کرده اند.

۹۳- بهر صورت، گزارشگر ویژه، اظهار می دارد که موانعی در سر راه اصلاحات وجود دارد. این موانع به علت وجود سازمانهای گوناگونی است که بوسیله نهادهای انتصابی و ارگانهائی که در برابر مردم پاسخگو نیستند مانند شورای مجمع تشخیص مصلحت، شورای نگهبان، شورای عالی فرهنگی و رئیس قوه قضائیه، ایجاد و کنترل می شوند. این نهادهای انتصابی با اخذ تصمیمات قضائی مانع اجرای مصوبات مجلس و وظائف دولت شده اند و بطور عملی، آنها اصلاحات را در سطح قانونگذاری و وظائف قانونی نهادها از بین برده اند.

ب - چهارچوب قانونی

۹۴- در مورد چهارچوب قانونی، گزارشگر ویژه با تاکید به ضرورت ماده ۱۹ بند ۳ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مبنی بر محدود کردن اجرای حق آزادی عقیده و بیان، فقط زمانی مجاز میباشد که این محدودیتها در جهت رعایت حیثیت افراد، حفظ امنیت ملی، نظم و اخلاق عمومی و بوسیله قانون ضروری تشخیص داده شود. همچنین این ماده مقرر میدارد که محدودیتهای آزادی بیان بطور دقیق معلوم و تعریف شود.

۹۵- گزارشگر ویژه خاطر نشان می سازد که بیشتر محدودیت هائی که طبق قانون مطبوعات و قانون کیفری عمومی انجام می گیرد با محدودیت های مجازی که در ماده ۱۹ بند ۳ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ارائه شده است منافات دارد. این منافات و عدم تطبیق برای آن است که محدودیت های قانون مطبوعات و قانون کیفری عمومی از حد مورد قبول این ماده (۱۹ بند ۳) فراتر می روند. دوم اینکه در بیشتر زمینه ها موضوعاتی مانند "اخلال در امنیت داخلی"، "توهین به اسلام"، "انتقاد" و "تبلیغات" علیه حکومت، "مخالفت با احکام و معیارهای اسلامی"، "انحراف مطبوعات، احزاب و گروهها"، "نیروهای ضد انقلاب" و "فعالیت های براندازی" فاقد هر گونه معیار و تعریف روشنی است و به همین خاطر هر قاضی می تواند بوسیله سلیقه و استنباط خود در اجرای آن قوانین تعبیرهای خودسرانه نماید. گزارشگر ویژه بدین جهت مایل است که مصوبه ۲۰۰۳/۴۲ کمیسیون حقوق بشر را مبنی بر اینکه می بایست "از وجود اتهاماتی چون امنیت ملی اطمینان کامل حاصل کرد و هر اتهام بی موردی که باعث محدود

نمودن آزادی بیان و اطلاعات گردد را بنام اخلاق در امنیت ملی نپذیرفت."

۹۸- با در نظر گرفتن قانون مطبوعات و قوانین کیفری عمومی در اجرای محدود نمودن حق آزادی عقیده و بیان، گزارشگر ویژه بر این باور است که این قوانین نقض آشکار حق آزادی عقیده و بیانی است که در ماده ۱۹ بند ۱ و ۲ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی برای شهروندان خواسته شده است.

۹۹- گزارشگر ویژه بیان میکند که اولیاء امور قانون مطبوعات و قوانین کیفری عمومی را که در ارتباط با مجازات کسانی است که ابراز عقیده صلح آمیز می کنند که شامل مطبوعات نیز می گردد لغو نمایند. بنظر گزارشگر ویژه انجام این عمل می تواند در حال حاضر بعنوان اصلاح قوه قضائیه در ایران قلمداد شود. گزارشگر ویژه تاکید می کند که شورای عالی توسعه قضائی می بایست به مقوله طبقه بندی تخلفات که شامل مطبوعات و ابراز عقیده افراد مخالف می گردد، توجه داشته باشد.

۱۰۰- گزارشگر ویژه بیان می دارد که عملکرد دادگاههای انقلاب در ارتباط با محکومیت افرادی که ابراز عقیده مخالف میکنند و اجرای حق آزادی عقیده و بیان آشکارا دارای عملکردی منفی است. او همچنین به نتایج "گروه تحقیق در مورد بازداشت های خودسرانه" بویژه به ماده ۶۵ بند اول آن که در مورد "کاهش ارگانهای تصمیم گیری قضائی است" اشاره می کند. طبق نتیجه گیری "گروه تحقیق در مورد بازداشت های خودسرانه"، به سبب اختیار قضائی داشتن این ارگانهای تصمیم گیری آنها نسبت به عدم برگزاری دادگاههای علنی و عادلانه و سلب حقوق متهم است که باعث بوجود آمدن تحدید شدید آزادی عقیده و بیان شده است. "همچنین باید اذعان نمود که (دادگاههای انقلاب) مسئول بازداشتهای خودسرانه افراد به جرم اظهار عقیده می باشند."

۱۰۱- تا جائیکه به استفاده از قانون منع و محدودیت در مورد تخلفات مطبوعاتی مربوط میشود، گزارشگر ویژه پیشنهاد مینماید که قانون مصوبه مجلس اجرا گردد زیرا طبق این مصوبه تخلفات مطبوعاتی بعنوان جرمهای جدی بشمار نمی آید.

۱۰۲- موضوع دیگری که مورد توجه گزارشگر ویژه قرار گرفته است این است که تفسیر احکام اسلامی بویژه آن احکامی که در ارتباط با ابراز عقیده افراد مخالف است، می باید تعریف گردد. بیشتر افرادی که طرف صحبت گزارشگر ویژه بودند، او را از وجود "خط قرمز" یعنی خطی که احکام اسلامی را نقض می کند، آگاه ساختند. بهر صورت در خلال ملاقات گزارشگر ویژه، او دریافت که معیارهای اجرائی جهت تعیین "خط قرمز" در بیان

روحانیون تعابیر گوناگون و زیادی دارد. بنظر گزارشگر ویژه، ضرورت فوری آن است که احکام اسلامی در قانون بطور روشن تعریف گردد تا بتوان بدینوسیله از تعابیر و تفاسیر خودسرانه که فاقد تأمین اجرای قانون است، جلوگیری کرد.

۱۰۳- بنظر گزارشگر ویژه پذیرفتن یک منشور ملی حقوق بشر در تکمیل ماده ۲۰ قانون اساسی طبق قوانین حقوق بشر بین المللی و در چهارچوب تجدید نظر قانونی می تواند مفید واقع شود. (ماده ۲۰ قانون اساسی: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند- مترجم) بدین جهت گزارشگر ویژه مایل است که توجه دولت را به نتیجه سمینار "دستیابی جهانی به حقوق بشر و مفهوم اسلامی در مورد منشور جهانی" که بوسیله دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل حقوق بشر و سازمان کنفرانس اسلامی در نوامبر ۱۹۹۸ برگزار گردید، جلب نماید. این سمینار برای یادبود پنجاهمین سالگرد منشور جهانی حقوق بشر تشکیل شده بود، فهرستی از موضوعات سازگاری و تطبیق قوانین اسلامی و تعابیر آن با منشور جهانی حقوق بشر بر بطور برجسته ای ارائه داد.

ح- تعلیقات و ملاحظات کلی

۱۰۴- در جهت اجرای واقعی حق آزادی عقیده و بیان، گزارشگر ویژه بطور کلی بیان می دارد که در چندین سال گذشته وضعیت حق آزادی عقیده و بیان در ایران وخیم تر گشته است. به عنوان مثال، تعداد زیادی از نشریات توقیف و بسیاری بازداشت شده اند. پیگرد قضائی و محکومیت افرادی که ابراز عقیده مخالف می کردند، افزایش یافته است. گزارشگر ویژه در موقعیتی قرار ندارد که نشان دهد که آیا افزایش دستگیری ها در نتیجه اعمال سختگیری اولیاء امور و مسئولین قوه قضائیه در برابر تخلفات است و یا این حقیقت که انتخاب رئیس جمهور اصلاح طلب در سال ۱۹۹۷ و برقراری مجلس طرفدار اصلاحات در سال ۲۰۰۰ باعث شده است که ترس و نگرانی مردم در انتقاد از مسئولین و نهادهای عمومی کمتر شود.

۱۰۵- گزارشگر ویژه همچنین اظهار می دارد افراد بسیاری که در خلال دیدارش در ایران طرف صحبت او بودند، می گفتند: "در اینجا آزادی بیان هست اما آزادی بعد از بیان وجود ندارد." گزارشگر ویژه گام را فراتر می گذارد و تاکید می کند که فضای ترس که بوسیله سرکوب مداوم مردم برای اظهار نظر انتقاد آمیز خود علیه اولیاء امور، تئوریسین های سیاسی و مذهبی، وظائف نهادهای، صورت میگیرد، توأم با محکومیت شدید و نامناسب اعمال

قانون شوند. اینگونه آموزشها بخصوص می باید روی میزان و معیارهای اجرائی برگزاری برگزاری دادگاههای عادلانه و علنی و اجرای موثر حق آزادی عقیده و بیان تمرکز یابد.

۱۱۱- دولت جهت اجرای پیشنهادات گزارشگر ویژه، از او دعوت بعمل آورده است.

بقیه از صفحه ۱۵ درویشیان...

جز صدور بیانیه نداریم، چون هیچ گونه امکانی به ما نمی دهند و در واقع به گونه ای ما را در خانه های خودمان زندانی کرده اند.

وقتی ما مشاهده می کنیم که مسئولیت ها را به افرادی می سپارند که سابقه ی نظامی دارند، مشفص است که این فضا به همان سمت می رود. و ممکن است زمان کوتاهی این نظامی شدن مملکت از نظر آقایان کارساز باشد و به ایجاد آرامش محیط برای آنها کمک کند، ولی از نظر من دائمی نخواهد بود و فواهی نافرمانی مقاومتی خواهد شد

بهنام باوندپور: بیانیه های کانون نویسندگان ایران توسط چه رسانه های گروهی یا رسانه های اینترنتی در ایران منعکس می شود؟

علی اشرف درویشیان: ما بیانیه های خود را به همه ی رسانه ها، چه در داخل و چه در خارج، می فرستیم، و در رابطه با همین بیانیه های اخیرمان، دیدیم که فقط دو نشریه، یکی اعتماد و دیگری ایران به اختصار آن را بیان و منتشر کرده بودند، ولی از درج کل بیانیه خودداری کرده بودند.

هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، ضد انسانی یا تحقیر آمیز قرار گیرد.

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت

شخصی دارد. ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

شده، موجب خود سانسوری در میان بیشتر روزنامه نگاران، روشنفکران، سیاستمداران، دانشجویان و بطور کلی مردم شده است که در نتیجه مانع اجرای آزادی بیان گشته است.

۱۰۶- در این گزارش، گزارشگر ویژه شماری از نمونه هایی از پیگرد قضائی، محاکمه و مجازات مطبوعات و ابراز عقاید مخالف افراد را ذکر نمود. بدین جهت او مایل است که نتیجه گیری "گروه تحقیق در مورد بازداشت های خودسرانه" را در رابطه با وضعیت زندانیان وجدان (عقیده)، تائید نماید. این گروه اظهار نمود که: حکم محکومیت زندانیان متناسب با جرم آنان نیست و آنها بیش از حد، مجازات شده اند. همچنین حق آزادی بیان و عقیده زندانیان نقض گردیده است و از برخورداری در تضمینهای اولیه جهت برگزاری یک دادگاه عادلانه محروم شده اند.

۱۰۶- با اشاره و جلب توجه دادن به نگهداری افرادی که برای ابراز عقاید خود مدتهای بسیار طولانی را در سلولهای انفرادی گذرانده اند، گزارشگر ویژه مایل است که مصوبه کمیسیون حقوق بشر ۲۰۰۳/۳۲ را در این مورد یادآور شود که در آن کمیسیون به تمام دولتها تذکر داده است که بازداشتهای انفرادی، بدون داشتن حق ارتباط، شکلی از مجازات ظالمانه، غیر انسانی و رفتاری تحقیر آمیز و شکنجه محسوب می شود و اصرار دارد که تمام دولتها آزادی، امنیت و حیثیت افراد را رعایت و تضمین نمایند.

۱۰۸- با توجه به مطالب یاد شده، گزارشگر ویژه به اولیاء امور و مسئولین توصیه می کند که تمام زندانیان مطبوعاتی و کسانی که به جرم ابراز عقیده مخالف محکوم و مجرم شناخته شده اند، آزاد شوند.

۱۰۹- با یادآوری و قدردانی از دعوت گسترده دولت از تمام ارگانهای مرتبط کمیسیون حقوق بشر به دیدار مجدد از کشور و همکاریهای اولیاء امور در این زمینه، گزارشگر ویژه مایل است این دیدارها را که می باید بعنوان قسمتی از روند گفتگو بین مسئولین امر و ارگانهای حقوق بشر سازمان ملل و با توجه به تنظیم کردن پیشنهادات واقعی که بعنوان پایه برنامه های همکاری حرفه ای تلقی می شود، مورد ملاحظه قرار گیرد. بنابر این گزارشگر ویژه با در نظر گرفتن تحقیقاتی در این مورد، معتقد است که دیدار گزارشگری ویژه در مورد شکنجه و گزارشگری ویژه در مورد استقلال قضات و وکیلان (از ایران) ممکن است که در این زمینه مفید واقع گردد.

۱۱۰- اولین قدم در جهت اجرای پیشنهادات گزارشگر ویژه این است که اولیاء امور و مسئولین قضائی خواستار همکاریهای حرفه ای قضائی بویژه در مورد آموزش قضات و دیگر کارکنان اجرائی